

ژوئیه ششم حقوق کیفری

سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

صفحات ۴۸-۳۳

نقش نظارت والدینی و خودکارآمدی در هم‌نشینی با همسالان بزهکار و رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دبیرستانی

دکتر فرهاد اصغری ✉

استادیار گروه مشاوره دانشگاه گیلان

دکتر عباس صادقی

دانشیار گروه مشاوره دانشگاه گیلان

رضا قاسمی جوبنه

کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه خوارزمی

شهریار درگاهی

کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه خوارزمی

چکیده:

در تبیین اعمال خلاف قانون، نگاه صرفاً حقوقی کافی نیست بلکه می‌بایست از ابعاد دیگر همچون خانواده و مسائل روان‌شناختی مورد بررسی قرار گیرد. هدف این پژوهش، بررسی نقش نظارت والدینی و خودکارآمدی در هم‌نشینی با همسالان بزهکار و رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان دبیرستانی بود. روش تحقیق همبستگی است. ۱۹۸ دانش‌آموز دبیرستانی شهر پارس آباد در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های نظارت والدینی، خودکارآمدی عمومی، هم‌نشینی با همسالان بزهکار و مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است. نتایج نشان داد که بین نظارت والدینی و خودکارآمدی با هم‌نشینی با همسالان بزهکار و رفتارهای پرخطر رابطه منفی معنادار وجود دارد ($P < 0.01$). نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که نظارت والدینی و خودکارآمدی می‌توانند ۲۱ درصد از واریانس هم‌نشینی با همسالان بزهکار و ۳۴ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی نمایند. نتایج تحقیق حاضر دلالت بر اهمیت متغیرهای خانوادگی و روانشناختی در کاهش هم‌نشینی با همسالان بزهکار و رفتارهای پرخطر دارد.

کلید واژه‌ها: رفتارهای پرخطر، هم‌نشینی با همسالان بزهکار، نظارت والدینی، خودکارآمدی، دانش‌آموز.

۱۳۹۳/۲/۱۶

تاریخ دریافت:

۱۳۹۴/۶/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی:

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

farhad.asghari@gmail.com

دوره نوجوانی از دوران‌های مهم و سرنوشت ساز زندگی انسان محسوب می‌شود. در این دوره که حد فاصل بین دوره کودکی و جوانی محسوب می‌شود، نوجوانان تغییرات بسیار سریع جسمی، روانی و اجتماعی را تجربه می‌کنند. اریکسون (Erikson) بیان می‌کند که نوجوانی دوره‌ای است که فرد باید با بحران هویت خود مواجه شده و آن را حل کند. یعنی زمانی که فرد به ادغام عقاید درباره خود و درباره اینکه دیگران چه تصویری از او دارند، می‌پردازد و در نتیجه تصویری منسجم و با ثبات از خود می‌سازد (شولتز و شولتز، ۱۳۸۹: ۲۵۷). در این دوره ممکن است خطرانی همچون همنشینی با همسالان بزهکار (Affiliation with Delinquent Peers) و انجام رفتارهای پر خطر (High Risk Behaviors) نوجوانان را تهدید کند.

منظور از همسالان بزهکار، دوستانی هستند که رفتارهای غیر قانونی، خلاف و ضد اجتماعی همچون حمل سلاح، آسیب رساندن به دیگران، شرکت در درگیری و سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی را مرتکب می‌شوند (نظری و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲). در دوره نوجوانی، تاثیر گذاری گروه همسالان، حتی بیشتر از والدین است. گروه همسالان با قدرت و نفوذی که در این دوره سنی دارند، می‌توانند بر افکار، احساس و رفتار نوجوان تاثیر مثبت و منفی داشته باشند (پرویزی و احمدی، ۱۳۸۵: ۴۸). همچنین رفتارهای پرخطری همچون گرایش به رانندگی خطرناک، گرایش به خشونت و پرخاشگری، گرایش به سیگار، مصرف مواد مخدر و روان گردان و مشروبات الکلی، گرایش به دوستی با جنس مخالف و رابطه و رفتار جنسی نا ایمن که در سال‌های اخیر در ایران نیز در سنین نوجوانی رو به افزایش بوده است (زاده محمدی، ۱۳۹۰: ۲۱۹)، با اختلال در سلامت روان نوجوانان که مشغول به تحصیل در دوره دبیرستان هستند، مرتبط است (Brooks et al, 2002: 240).

نظارت والدینی (Parental Monitoring) یکی از مهم‌ترین راهبردهایی می‌باشد که به عنوان یک عامل محافظت کننده در جهت کاهش همنشینی با همسالان بزهکار (Tilton et al, 2013: 2057; Farmer, 2001: 42; Svensson, 2003: 300) و پیشگیری از انجام رفتارهای پر خطر (Strunin et al, 2013: 2601; Li et al, 2000) در نوجوانان نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. نظارت والدینی اشاره به این دارد که والدین از اینکه فرزندانشان، زمانی که با آنها نیستند را چگونه و با چه کسانی سپری می‌کنند، مطلع باشند. همچنین والدین در تربیت فرزند خود شیوه‌های انضباطی مشخصی دارند که از فرزند نوجوان انتظار دارند که مغایر با آن عمل نکنند. البته درباره رفتارهای قابل قبول و مصداق‌های آن با فرزند خود

صحبت می‌کنند و در صورت نیاز اطلاعات و راهنمایی‌های لازم را به او ارائه می‌دهند (Romero, 2007: 144).

تیلتون و همکاران (Tilton et al, 2013: 2057) بیان می‌کنند که نظارت والدین در صورتی که به شیوه افراطی نباشد، می‌تواند در کاهش همنشینی با همسالان بزهکار مؤثر واقع شود. نظارت والدینی به شیوه افراطی و غیر منطقی تأثیر معکوس خواهد گذاشت، به طوری که منجر به گرایش بیشتر نوجوان به همنشینی با همسالان بزهکار می‌شود. در تحقیقی دیگر جائو و همکاران (Gao et al, 2013: 178) دریافتند که خانواده و همین‌طور گروه همسالان بزهکار، می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر بزهکاری داشته باشند، به طوری که گروه همسالان بزهکار تأثیری مثبت بر افزایش بزهکاری دارد، ولی خانواده در کاهش تأثیر گروه همسالان بزهکار، ایفای نقش می‌کند، و بر کاهش بزهکاری تأثیر مثبت دارد. در تحقیقی دیگر خسروی و همکاران (۱۳۸۶: ۶۱) نشان دادند که عامل کنترل و نظارت مؤثر بر رفتار نوجوان همراه با روش‌های متقاعد سازی عامل مهمی در پیشگیری از رفتارهای مخاطره آمیز می‌باشد. در حالی که وجود آزادی بیش از حد و شیوه کنترل مجبورسازی به عنوان عوامل خطر آفرین شناخته شدند. در این ارتباط یافته‌های تحقیق فراهانی و مهریار (۱۳۸۹: ۴۵۰) حاکی از آن است که کنترل سختگیرانه والدین، جو نامناسب خانوادگی، نگرش آزادانه والدین و احترام کم به نظرات والدین پیش‌بینی کننده‌های مهم خانوادگی در نزدیکی جنسی با جنس مخالف قبل از ازدواج می‌باشد. مطالعات نشان داده است که نظارت والدینی پایین با افزایش رفتارهای پرخطر از قبیل مشروبات الکلی، سوء مصرف مواد مخدر، استفاده از قرص‌های روان گردان (Strunin et al, 2013: 2601; Martins et al, 2008: 919)، رفتار جنسی ناپایمن، قاچاق مواد مخدر، فرار از مدرسه، رفتارهای اجتنابی (li et al, 2000: 49) و رفتارهای بزهکارانه (Wang et al, 2013: 161) در نوجوانان مرتبط است. در تحقیق وانگ و همکاران (Wang et al, 2013: 161) مشخص شد که سبک فرزند پروری سهل گیرانه به همراه تعارض و درگیری‌هایی که بین والدین و فرزندان وجود دارد، در افزایش گرایش به رفتارهای پر خطر موثر است. نتایج تحقیقات احمدی و همکاران (Ahmadi et al, 2013: 22) و دیسلمنته (Diclemente, 2001: 1363) نشان داد که بین نظارت والدینی و همنشینی با همسالان بزهکار در بروز رفتارهای جنسی پرخطر ارتباط معناداری وجود دارد. ست و آسودانی (Seth & Asudani, 2013: 1) در پژوهشی نشان دادند دانش‌آموزانی که والدین آنها به شیوه اقتدار منطقی با آنها رفتار می‌کنند، در نتیجه احتمال گرایش آنها به رفتارهای بزهکارانه و رفتارهای پر خطر نیز کاهش می‌یابد، و همچنین در مدرسه بهترین عملکرد را در زمینه تحصیلی دارند و از عزت نفس و مهارت‌های اجتماعی

بالایی برخوردارند. نتایج پژوهشی مشخص کرد که نگرش ضد اجتماعی، عدم موفقیت‌های تحصیلی، فقدان کنترل و نظارت والدینی پایین، مؤلفه‌هایی هستند که به طور معناداری و با ضریب اطمینان بسیار بالایی احتمال درگیر شدن جوانان به اعمال بزهکارانه را افزایش می‌دهد (Xion & Haung, 2011: 1).

مطالعه ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که علاوه بر نظارت والدینی به عنوان یکی از متغیرهای مهم خانوادگی، خودکارآمدی (Self-Efficacy) نیز می‌تواند به عنوان بعد روانشناختی و فردی در تبیین همنشینی نوجوانان با همسالان بزهکار و رفتارهای پرخطر سهم داشته باشد. خودکارآمدی، به ادراک هر فرد از توانایی‌ها و شایستگی‌هایش مربوط می‌شود. خودکارآمدی به عنوان یک فرایند شناختی توانایی کنترل در موقعیت‌های مختلف را در شخص ایجاد می‌کند، در نتیجه توانایی مقابله کارآمد در برابر مشکلات را در او افزایش می‌دهد (Bandura, 1997: 33).

طهماسبیان و غلامرضایی (۱۳۸۸: ۱۱۳) در تحقیقی نشان دادند که بین خودکارآمدی اجتماعی و خودکارآمدی جسمانی با طرد توسط همسالان ارتباط منفی و معناداری وجود دارد، به طوری که با افزایش خودکارآمدی اجتماعی و جسمانی، افراد بیشتری نیز جذب این گروه می‌شوند. در تحقیقی مشابه بیننازوسیال (Binnazocial, 2002: 1301) نتیجه‌گیری کرد بین فشار همسالان و خودکارآمدی عمومی و خودکارآمدی تحصیلی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. نتایج تحقیقات متعدد نشانگر آن است که بین خودکارآمدی ادراک شده بالا با رفتارهای پرخطری همچون گرایش به اعتیاد (ابولقاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸۱)، افکار خودکشی (برومند و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۳)، رفتار نا ایمن جنسی (Bakker, 1997: 2001) و پرخاشگری (سیارپور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶) در نوجوانان ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. ابولقاسمی و همکاران (۱۳۸۸: ۱۷) در پژوهشی نتیجه‌گیری کرد که با افزایش مهارت‌های اجتماعی و باورهای خودکارآمدی گرایش به اعتیاد در نوجوانان کاهش پیدا می‌کند. در تحقیقی که توسط برومند و همکاران (۱۳۹۱: ۶۳) به انجام رسانید، مشخص شد که افرادی که احساس کفایت و شایستگی می‌کنند از خودکارآمدی بالایی برخوردارند، میزان افکار خودکشی در آنها کاهش پیدا می‌کند. مدانلو و همکاران (۱۳۸۰: ۴۱) در تحقیقی که به بررسی رابطه عزت نفس در میان نوجوانان بزهکار و عادی پرداختند، نتیجه‌گیری کردند که میانگین نمره عزت نفس در گروه نوجوانان بزهکار در مقایسه با گروه نوجوانان عادی به طور معناداری کمتر است. در تحقیقی دیگر وینگ لو و همکاران (Wing lo et al, 2011: 48) در پژوهشی نشان دادند که نوجوانانی که مرتکب اعمال بزهکارانه‌ای همچون قلدری، خرابکاری، درگیری‌های زبانی و فیزیکی با والدین و یا معلمین می‌شوند، در

مقیاس‌های مربوط به عزت نفس و خود کارآمدی، در مقایسه با کسانی که مرتکب این اعمال نمی‌شوند، نمره پایینی کسب می‌کنند.

نوجوانی جزو دوره‌های مهم و سرنوشت ساز در تکامل شخصیت انسان محسوب می‌شود. گاهی ممکن است که نوجوان در این دوره مشکلات و یا نگرانی‌هایی داشته باشد، که ضرورت انجام تحقیقاتی درباره عوامل تأثیرگذاری که باعث ایجاد مشکل در آنها می‌شود را آشکار می‌سازد. درک خطرپذیری به عنوان اقتضای قابل انتظار این دوره سنی و نه به عنوان رفتار انحرافی و مجرمانه امکان شناخت و پیشگیری از بروز جرم را در نوجوانان واقع بینانه تر و عملی‌تر می‌سازد (زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۸: ۴۷۳). علاوه بر این به اعتقاد جرم‌شناسان، فردی که برای نخستین بار محکومیت می‌یابد، هر قدر جوان‌تر باشد به همان نسبت بیشتر امکان دارد که یک دوره طولانی مرتکب جرم گردد و متحمل محکومیت‌های دیگر شود. به عبارت دیگر، احتمال تثبیت بزهکاری در او بیشتر است (خسروشاهی، ۱۳۸۸: ۲۵۰). پیشگیری از وقوع جرم به دو دسته تقسیم می‌شود، الف) کیفری و ب) غیرکیفری و اجتماعی. در بین انواع پیشگیری همان‌گونه که مباحث جدید پلیسی، نظیر پلیس جامعه محور نیز بر آن متمرکز شده است، پیشگیری اجتماعی که در مقایسه با سایر پیشگیری‌ها واژه تازه‌تری است، نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدارس، رسانه‌ها و... تلاش می‌کنند که از بزه دیدگی افراد جامعه، به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان جلوگیری کنند و فرصت‌های ارتکاب جرم را تا حد امکان کاهش دهند (مدیر و چوپانی، ۱۳۸۹: ۱۰۳؛ به نقل از حسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵). پس پیشگیری از جرم به ویژه برای کودکان، نوجوانان و جوانان بسیار مهم است. در پژوهش حاضر به دنبال آن هستیم تا بار دیگر نقش عوامل خانوادگی و عوامل روانشناختی و فردی را در بروز رفتارهای بزهکارانه و پرخطر در قشر نوجوان را مورد بررسی قرار دهیم. شناخت حاصل از چنین پژوهش‌هایی می‌تواند ما را در طراحی برنامه‌های پیشگیرانه از وقوع جرم و جنایت به خصوص در سنین نوجوانی و جوانی یاری نماید. علاوه بر این، پژوهش حاضر با یک دید جامع نگرانه ابعاد مختلف در حوزه‌های فردی و خانوادگی در پیش‌بینی همنشینی با همسالان بزهکار و رفتارهای پرخطر را لحاظ نموده است که در مطالعات پیشین کمتر به این مسئله توجه شده است و صرفاً بر یکی از ابعاد تأکید نموده‌اند. با توجه به مباحث مطرح شده، گروه نوجوانان را باید در حکم یک گروه در معرض خطر قلمداد کرد. از آنجا که از بین مجموعه عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر همنشینی با همسالان بزهکار و رفتارهای پرخطر، متغیرهای فردی و خانوادگی، بنیادی‌ترین، گسترده‌ترین و بیشترین نقش را بر عهده دارند، در این پژوهش سعی شده که به بررسی

نقش نظارت والدینی و خودکارآمدی در همنشینی با همسالان بزهکار و رفتارهای پرخطر دانش آموزان دبیرستانی پرداخته شود.

۱. روش تحقیق

جامعه، نمونه و شیوه نمونه گیری:

این پژوهش از نوع همبستگی است. در پژوهش حاضر نظارت والدینی و خودکارآمدی به عنوان متغیرهای پیش‌بین و همنشینی با همسالان بزهکار و رفتارهای پرخطر به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده است.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان پسر سال سوم مقطع دبیرستان شهر پارس آباد (استان اردبیل) در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ تشکیل داده‌اند که از میان آنها ۲۰۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و بر اساس جدول کرجسی و مورگان (Krejci & Morgan, 1970: 607) انتخاب گردیدند و به پرسشنامه‌های تحقیق پاسخ دادند. شیوه نمونه‌گیری به این ترتیب بود که شهرستان پارس آباد مغان به سه منطقه شمال، مرکز و جنوب تقسیم شد، سپس از هر منطقه چند مدرسه به شیوه تصادفی انتخاب گردید و در مرحله آخر از هر مدرسه چند کلاس به صورت تصادفی انتخاب گردید و پس از اینکه اهداف پژوهش به صورت کامل تشریح داده شد، پرسشنامه‌های تحقیق به منظور پاسخ‌گویی در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت تا با اختصاص زمان تقریباً ۲۰ دقیقه تکمیل نمایند. در ضمن اطمینان دهی در مورد محرمانه ماندن اطلاعات و آماده ساختن افراد نمونه تحقیق از لحاظ روحی و روانی برای شرکت در پژوهش از نکات اخلاقی رعایت شده این پژوهش بود. تعداد ۲ شرکت‌کننده پرسشنامه‌های تحقیق را به صورت ناقص تکمیل نمودند، که از احتساب در تحلیل آماری خارج شدند. بر این اساس در نهایت ۱۹۸ نفر در پژوهش شرکت کردند.

۲. ابزارهای تحقیق:

۲.۱. پرسشنامه نظارت والدینی (Parental Monitoring Scale):

نظارت والدینی با استفاده از مقیاس نظارت والدینی سینگر و همکاران (Singer et al, 2004: 489) به نقل از خدادادی سنگده و همکاران، (۱۳۹۳: ۶۳) اندازه‌گیری شده است. پرسشنامه نظارت والدینی دارای ۷ سؤال است که آزمودنی بر اساس مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت به آن پاسخ می‌دهد. کمترین درجه نمره ۰ و بالاترین درجه برای هر سؤال نمره ۳ است. نمره کلی نشانگر میزان نظارت والدینی است و با افزایش نمره، نظارت والدینی نیز افزایش می‌

یابد. در طی یک بررسی در داخل کشور (نظری و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۳) ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۷۲ درصد به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد.

۲.۲. پرسشنامه خودکارآمدی عمومی (General Self-Efficacy Questionnaire):

پرسشنامه خودکارآمدی شوارزر و جروسلم (Schwarzer & Jerusalem, 2000) دارای ۱۰ سؤال است که آزمودنی بر اساس مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت به آن پاسخ می‌دهد. کمترین درجه نمره ۱ و بالاترین درجه برای هر سؤال نمره ۴ است. نمره کلی در این پرسشنامه به معنای خودکارآمدی بالاتر است. در طی یک بررسی در داخل کشور (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۶ گزارش شد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد.

۳.۲. پرسشنامه همنشینی با همسالان بزهکار (Affiliation with Delinquent Peers):

(Scale)

پرسشنامه همنشینی با همسالان بزهکار که توسط پاسکال و همکاران (Paschal, 2003: 15) به نقل از خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۳ طراحی شده است، دارای ۸ سؤال است که آزمودنی بر اساس مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت کمترین درجه ۰ و بالاترین درجه برای هر سؤال ۴ به آن پاسخ می‌دهد. نمره کلی در این پرسشنامه نشانگر افزایش همنشینی با همسالان بزهکار است. در طی یک بررسی در داخل کشور (نظری و همکاران، ۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۴ درصد گزارش شد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به دست آمد.

۴.۲. مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی:

مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی که توسط زاده محمدی و همکاران (۱۳۸۶) طراحی شده است، دارای ۳۸ سؤال است که به سنجش آسیب‌پذیری نوجوانان در زمینه رفتارهای پرخطری از قبیل رانندگی خطرناک، گرایش به خشونت، سیگار، مصرف مواد مخدر و روان‌گردان، گرایش به جنس مخالف و رابطه و رفتار جنسی می‌پردازد. در این مقیاس کمترین درجه ۱ و بالاترین درجه ۵ است. در طی یک بررسی (زاده محمدی و همکاران، ۱۳۸۷) ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۳ درصد بود. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمد.

داده‌های گردآوری شده به وسیله نرم افزار SPSS-18 و با توجه به آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی به روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام، تجزیه و تحلیل شدند.

۳. یافته‌های تحقیق:

یافته‌های توصیفی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش بین ۱۹۸ نفر از نمونه تحقیق در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
۱. هم نشینی با همسالان بزهکار	۱۹۸	۵/۷۰	۵/۱۲
۲. رفتار پر خطر	۱۹۸	۸۳/۳۲	۲۷/۹۴
۳. گرایش به رانندگی خطرناک	۱۹۸	۱۸/۸۹	۵/۲۲
۴. گرایش به خشونت	۱۹۸	۱۲/۳۶	۴/۵۴
۵. گرایش به سیگار	۱۹۸	۹/۱۲	۵/۱۱
۶. گرایش به مواد مخدر	۱۹۸	۱۴/۷۰	۷/۹۴
۷. گرایش به الکل	۱۹۸	۱۳/۰۱	۵/۸۸
۸. گرایش به دوستی با جنس مخالف	۱۹۸	۸/۱۷	۳/۲۸
۹. گرایش به رابطه و رفتار جنسی	۱۹۸	۷/۰۸	۲/۵۸
۱۰. نظارت والدینی	۱۹۸	۱۵/۰۳	۴/۶۱
۱۱. خودکارآمدی	۱۹۸	۳۰/۱۰	۶/۳۴

در جدول شماره ۱، اطلاعات توصیفی (تعداد، میانگین و انحراف معیار) متغیرهای پژوهش گزارش شده است. به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱. هم نشینی با همسالان بزهکار	۱									
۲. رفتار پرخطر	۰.۶۳ ^{**}	۱								
۳. راندگی خطرناک	۰.۳۱ ^{**}	۰.۶۳ ^{**}	۱							
۴. خشونت	۰.۵۱ ^{**}	۰.۷۹ ^{**}	۰.۵۳ ^{**}	۱						
۵. سیگار	۰.۵۳ ^{**}	۰.۸۶ ^{**}	۰.۴۵ ^{**}	۰.۶۱ ^{**}	۱					
۶. مواد مخدر	۰.۶۳ ^{**}	۰.۸۸ ^{**}	۰.۴۳ ^{**}	۰.۶۳ ^{**}	۰.۷۸ ^{**}	۱				
۷. الکل	۰.۵۷ ^{**}	۰.۸۵ ^{**}	۰.۴۸ ^{**}	۰.۵۹ ^{**}	۰.۶۹ ^{**}	۰.۷۰ ^{**}	۱			
۸. دوستی با جنس مخالف	۰.۵۰ ^{**}	۰.۷۴ ^{**}	۰.۳۷ ^{**}	۰.۴۹ ^{**}	۰.۶۱ ^{**}	۰.۵۹ ^{**}	۰.۶۳ ^{**}	۱		
۹. رابطه جنسی	۰.۳۹ ^{**}	۰.۷۴ ^{**}	۰.۴۵ ^{**}	۰.۴۸ ^{**}	۰.۵۸ ^{**}	۰.۵۸ ^{**}	۰.۶۱ ^{**}	۰.۶۷ ^{**}	۱	
۱۰. نظارت والدینی	-۰.۴۳ ^{**}	-۰.۴۹ ^{**}	-۰.۴۱ ^{**}	-۰.۳۳ ^{**}	-۰.۴۲ ^{**}	-۰.۳۸ ^{**}	-۰.۵۰ ^{**}	-۰.۳۹ ^{**}	-۰.۲۸ ^{**}	۱
۱۱. خودکارآمدی	-۰.۳۳ ^{**}	-۰.۴۸ ^{**}	-۰.۳۷ ^{**}	-۰.۳۶ ^{**}	-۰.۴۳ ^{**}	-۰.۴۴ ^{**}	-۰.۴۴ ^{**}	-۰.۳۶ ^{**}	-۰.۲۱ ^{**}	۰.۴۱ ^{**}

**P < ۰/۰۱

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۲ بین متغیرهای نظارت والدینی و رفتار پرخطر با ضریب همبستگی -۰/۴۹، رابطه معنادار وجود دارد. بین خودکارآمدی با رفتار پرخطر با ضریب همبستگی -۰/۴۸، رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین نظارت والدینی با همنشینی با همسالان بزهکار با ضریب همبستگی -۰/۴۳، و بین خودکارآمدی با همنشینی با همسالان بزهکار با ضریب همبستگی -۰/۳۳، رابطه معنادار وجود دارد. شایان ذکر است که تمامی این ضرایب در سطح $P < ۰/۰۱$ معنی دار هستند. برای تعیین سهم متغیرهای نظارت والدینی و خودکارآمدی در پیش بینی همنشینی با همسالان بزهکار و رفتار پرخطر از رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج در جدول ۳ و ۴ نشان داده شده است.

جدول شماره ۳: تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی همنشینی با همسالان بزهکار

گام‌ها	متغیرها	R	r ²	F	B	Beta	T	Sig
اول	نظارت والدینی	۰/۴۳	۰/۱۸	۴۳/۶۸	-۰/۳۹	-۰/۳۵	-۵/۰۳	۰/۰۰
دوم	خودکارآمدی	۰/۴۶	۰/۲۱	۲۶/۰۴	-۰/۱۵	-۰/۱۸	-۲/۶۴	۰/۰۰

با توجه به یافته‌های جدول ۳، نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد که نظارت والدینی همبستگی بالا و معناداری با همنشینی با همسالان بزهکار دارد و در مرحله اول وارد مدل می‌شود. همچنین در مرحله بعد خودکارآمدی وارد معادله می‌شود. در نهایت متغیرهای نظارت والدینی و خودکارآمدی توانستند ۲۱ درصد از واریانس همنشینی با همسالان بزهکار را پیش بینی نمایند که در این میان سهم نظارت والدینی ۱۸ درصد و سهم خودکارآمدی ۳ درصد است. از سویی ضریب تاثیر نظارت والدینی و خودکارآمدی به ترتیب $B = -0/39$ و $B = -0/15$ است. در واقع این دو متغیر می‌توانند به صورت منفی همنشینی با همسالان بزهکار را پیش بینی نمایند و با افزایش نظارت والدینی و خودکارآمدی، همنشینی با همسالان بزهکار کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۴: تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی رفتار پر خطر

گام‌ها	متغیرها	R	r ²	F	B	Beta	T	Sig
اول	نظارت والدینی	۰/۴۹	۰/۲۴	۶۱/۹۲	-۲/۱۵	-۰/۳۵	-۵/۵۰	۰/۰۰
دوم	خودکارآمدی	۰/۵۸	۰/۳۴	۴۹/۲۵	-۱/۵۰	-۰/۳۴	-۵/۳۷	۰/۰۰

با توجه به یافته‌های جدول ۴، نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد که نظارت والدینی همبستگی بالا و معناداری با رفتارهای پر خطر دارد و در مرحله اول وارد مدل می‌شود. همچنین در مرحله بعد خودکارآمدی وارد معادله می‌شود. در نهایت متغیرهای نظارت والدینی و خودکارآمدی توانستند ۳۴ درصد از واریانس رفتارهای پر خطر را را پیش بینی نمایند که در این میان سهم نظارت والدینی ۲۴ درصد و سهم خودکارآمدی ۱۰ درصد است. از سویی ضریب تاثیر نظارت والدینی و خودکارآمدی به ترتیب $B = -2/15$ و $B = -1/50$ است. در واقع این دو متغیر می‌توانند به صورت منفی رفتارهای پر خطر را پیش بینی نمایند و با افزایش نظارت والدینی و خودکارآمدی، رفتارهای پر خطر کاهش می‌یابد. ذکر این نکته ضروری است که پیش بینی متغیر ملاک بر اساس متغیرهای پیش بین در سطح $P < 0/01$ معنی‌دار است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری:

در دوره نوجوانی که به عنوان یکی از دوران‌های مهم و حیاتی انسان‌ها محسوب می‌شود ممکن است خطراتی همچون همنشینی با همسالان بزهکار و انجام رفتارهای پرخطری همچون گرایش به سیگار، سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی، رفتار جنسی ناپایمن، اقدام به خودکشی، گرایش به خشونت و پرخاشگری، آن‌ها را تهدید کند. گرایش افراد به همنشینی با همسالان بزهکار و رفتارهای پرخطر و به طور کلی انجام رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله عوامل فردی و خانوادگی است. تأثیرات خانواده از طریق وراثت و تربیت بر اعضای آن امری واضح بوده و نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای فرزندان دارد. از طرفی ویژگی‌های درون‌روانی افراد که موجب تفاوت‌های فردی آن‌ها می‌شود را نباید نادیده انگاشت. این پژوهش با بررسی نقش نظارت والدینی به عنوان یکی از عوامل خانوادگی و نیز خودکارآمدی به عنوان یکی از عوامل فردی و روانشناختی، بار دیگر نقش این دو دسته عوامل را در گرایش افراد به انجام رفتارهای مجرمانه در سنین نوجوانی تأیید نمود.

نتایج این پژوهش نشانگر آن است که بین نظارت والدینی و همنشینی با همسالان بزهکار رابطه منفی معنادار وجود دارد که همسو با نتایج سایر تحقیقات (تیلتون و همکاران، ۲۰۱۳؛ آلبوکردی و همکاران، ۲۰۱۲؛ سینسون، ۲۰۰۳؛ فارمر، ۲۰۰۱؛ بیکر و همکاران، ۱۹۹۹) است. در واقع زمانی که والدین بر اعمال و رفتار فرزندان خود نظارت داشته باشند، در نتیجه احتمال اینکه آنها تمایل به همنشینی با همسالان بزهکار داشته باشند، کاهش پیدا می‌کند. در تبیین می‌توان چنین گفت که روابط مناسب بین والدین و فرزندان، پایه گذار شخصیت در دوران ابتدایی زندگی است. این روابط در دوران نوجوانی باید همراه با نظارت بر رفتارهای نوجوانان باشد. وجود جو مناسب بین اعضای خانواده، خودافشایی بالا و مناسب و قضاوت مناسب و منطقی در مورد رفتارهای نوجوانان می‌تواند آنها را در رابطه مناسب با والدین نگه دارد. والدین با سبک دموکراتیک مبتنی بر احترام مناسب به حقوق فرزندان خود می‌توانند نظارت مناسبی بر دوستان و رفتارهای آنها داشته باشند.

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین نظارت والدینی با رفتارهای پرخطر (رانندگی خطرناک، خشونت، سیگار، مواد مخدر، الکل، دوستی با جنس مخالف و رابطه جنسی) رابطه منفی معنادار وجود دارد که با نتایج سایر محققان (احمدی و همکاران، ۲۰۱۳؛ استرونین و همکاران، ۲۰۱۳؛ ونگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ مارتینز، ۲۰۰۸؛ لی و همکاران، ۲۰۰۰؛ دی کلمنته، ۲۰۰۰) همخوان است. در واقع زمانی که والدین بر رفتار فرزندان خود نظارت داشته باشند، در نتیجه انجام رفتارهای پرخطر در آنها کاهش می‌یابد.

در تبیین می‌توان چنین استدلال کرد که والدینی که روابط مناسبی با کودکان خود دارند، سبک‌های مقابله مساله‌مدار را در حل کردن مشکلات به کودکان خود یاد می‌دهند، از لحاظ هیجانی به کودکان خود نزدیک هستند و نقش الگویی را برای کودکان بازی می‌کنند. در جو روابط بین والدین و بچه‌ها توصیه‌های اخلاقی بیشتر مورد پذیرش بچه‌ها قرار می‌گیرد و والدین می‌توانند اطلاعات مناسبی را در زمینه رفتارهای پرخطر و نقش آن در تخریب سلامت روانی به بچه‌های خود بدهند که باعث کاهش رفتارهای پرخطر می‌شود.

در تحقیقی جائو و همکاران (Gao et al, 2013: 178) دریافتند که گروه همسالان بزهکار تأثیری مثبت بر افزایش بزهکاری دارد، ولی خانواده در کاهش تأثیر گروه همسالان بزهکار، ایفای نقش می‌کند، و بر کاهش بزهکاری تأثیر مثبت دارد. انواماکا (Nwamaka, 2010: 58) در پژوهشی که به انجام رسانید، نتیجه‌گیری کرد که والدینی که بر فعالیت‌های فرزندان نشان به طور منطقی نظارت می‌کنند، و به فرزندانشان اجازه می‌دهند که در انتخاب و انجام کارها مستقل باشند، بیشترین تأثیر مثبت را بر رفتار فرزندان خود می‌گذارند. برعکس، والدینی که نسبت به امور تربیتی فرزندان بی‌توجه هستند، و خود را در برابر نیازهای طبیعی فرزندانشان مسؤول نمی‌دانند، تأثیری منفی بر رفتار آن‌ها می‌گذارند، که در نهایت ممکن است به رفتارهای خلاف و بزهکارانه منتهی شود. یافته‌های پژوهشی نشان داد که هر چه میزان وابستگی نوجوان به خانواده قوی‌تر باشد، از شدت اعمال بزهکارانه کاسته می‌شود. باورهای مذهبی عامل بازدارنده بزهکاری‌اند و نگرش‌های منفی نسبت به قانون، مجریان قانون، و هنجارهای اجتماعی باعث تقویت بزهکاری می‌شوند. سرانجام ارتباط با بزهکاران به صورت صمیمی و مستمر، نوجوان را به شدت به بزهکاری سوق می‌دهد (مشکانی و مشکانی، ۱۳۸۱: ۳). طبق دیدگاه تربیتی، خانواده مهم‌ترین کانون رشد و پرورش انسان قلمداد می‌شود. اهمیت خانواده به اندازه‌ای است که بسیاری از مشاوران و صاحب نظران علوم رفتاری به این موضوع مهم پرداخته‌اند. بر این اساس می‌توان برداشت کرد که خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی جامعه، تأثیر مهمی در نوع نگرش فرزندان به بزهکاری و رفتارهای پرخطر دارد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۲).

نتایج تحقیق فعلی حاکی از آن است که بین خودکارآمدی ادراک شده و همنشینی با همسالان بزهکار رابطه منفی معنادار وجود دارد که با نتایج سایر تحقیقات انجام شده (هییم استرا و همکاران، ۲۰۱۱؛ برندجن و همکاران، ۱۹۹۸) مطابقت دارد. در واقع زمانی که افراد از باورهای خودکارآمدی بالایی برخوردار باشند، احتمال همنشینی آن‌ها با همسالان بزهکار و منحرف کاهش می‌یابد. افراد دارای خودکارآمدی بالا از شخصیت خود، دیگران و خطرات

روابط نامناسب مطلع هستند، این افراد به دلیل توانمندی شناختی بالا، دوستان مناسبی را انتخاب می‌نمایند و توانایی شناخت خود و افراد دیگر را همراه با نقاط قوت و ضعف را دارند. با توجه به نتایج تحقیق حاضر، بین خودکارآمدی و رفتارهای پرخطر رابطه منفی و معنادار به دست آمد که با یافته‌های سایر تحقیقات (وینگ لو و همکاران، ۲۰۱۱؛ پورکرد و همکاران، ۱۳۹۲؛ برومد و همکاران، ۱۳۹۱؛ میرمهدی و کریمی، ۱۳۹۱) همخوانی دارد. به این معنا که در صورتی که افراد از باورهای خودکارآمدی بالایی برخوردار باشند، احتمال انجام رفتارهای پرخطر نیز در آنها کاهش می‌یابد. افراد دارای خودکارآمدی بالا توانایی شناخت ضعف‌ها و توانمندی‌های خود را دارند. این افراد کنترل زیادی بر رفتارهای خود دارند، از قدرت تاب‌آوری بالایی برخوردارند، از توانایی شناختی مناسبی برای شناخت موقعیت‌های نامناسب و خطر آفرین برخوردارند و به همین دلیل کمتر به رفتارهای پرخطر دست می‌زنند.

در تحقیق حاضر با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام، نظارت والدینی و خودکارآمدی توانستند به طور معناداری ۲۱ درصد از واریانس مربوط به همنشینی با همسالان بزهکار را پیش‌بینی نماید. همچنین نظارت والدینی و خودکارآمدی توانستند ۳۴ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی نمایند. نظارت والدین و شیوه‌های مناسب فرزند پروری می‌تواند فرزندان را در مقابل خطرات دوستان نامناسب محافظت نماید. این نظارت والدین منجر به رشد استقلال فردی، عزت نفس و خودکارآمدی می‌شود که می‌تواند افراد را در مقابل انجام رفتارهای پرخطر و همنشینی با همسالان بزهکار حفاظت کند و تاب‌آوری بالایی را در فرزندان ایجاد نماید.

پژوهش حاضر بر روی دانش آموزان مقطع دبیرستان شهر پارس آباد انجام شده است و باید در تعمیم نتایج به سایر جوامع آماری احتیاط کرد. پیشنهاد می‌شود که تحقیقات مشابه به منظور بررسی عمیق‌تر عوامل مؤثر بر همنشینی با همسالان بزهکار و انجام رفتارهای پرخطر و مجرمانه انجام شود. تحقیق حاضر تنها به نظارت والدینی و خودکارآمدی به عنوان عوامل خانوادگی و فردی محدود شد در حالی که متغیرهای بسیاری می‌توانند در این مفاهیم گنجانده شوند. همچنین براساس نتایج پیشنهاد می‌شود که با توجه به اهمیت نظارت والدین در کاهش همنشینی با همسالان بزهکار و همچنین نقش خودکارآمدی در کاهش رفتار پرخطر، در کلاسهای آموزش خانواده در مقطع دبیرستان، شیوه‌های مناسب فرزندپروری و نظارت، به والدین آموزش داده شود. همچنین به تعلیم خودکارآمدی در برنامه مهارت‌های زندگی و مدارس مروج سلامت در دبیرستان و نقش آن در کاهش رفتارهای پرخطر پرداخته شود.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. ابولقاسمی، عباس؛ پورکرد، مهدی و نریمانی، محمد (۱۳۸۸)، «ارتباط مهارتهای اجتماعی و خودکارآمدی با گرایش به مصرف مواد در نوجوانان»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار*، سال ۱۶، شماره ۴، صص ۱۸۸-۱۸۱.
۲. برومند، اکرم؛ اصغری مقدم، محمدعلی؛ شعیری، محمدرضا و مسگریان، فاطمه (۱۳۹۱)، «درد مزمن، خودکارآمدی درد، و افکار خودکشی. نقش تعدیل کننده خودکارآمدی درد بر رابطه بین افسردگی و افکار خودکشی در بیماران مبتلا به درد مزمن»، *مجله اصول بهداشت روانی*، سال ۱۴، شماره ۲، صص ۱۶۳-۱۵۲.
۳. پرویزی، سرور و احمد، فضل ا... (۱۳۸۵)، «گروه همسالان و سلامت توجوان: یک پژوهش کیفی»، *فصلنامه علمی پژوهشی فیض*، سال ۱۰، شماره ۴، صص ۵۱-۴۶.
۴. حسینی دولت آبادی، فاطمه؛ سعادت، سجاده؛ قاسمی جوننه، رضا (۱۳۹۲)، «رابطه بین سبک-های فرزندپروری، خودکارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش آموزان دبیرستانی»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال ۴، شماره ۲، صص ۸۸-۶۷.
۵. خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۸۸)، «پیشگیری ثانویه از جرم و انحرافات در آموزه‌های قرآن»، *رفاه اجتماعی*، سال ۹، شماره ۳۴، صص ۲۷۴-۲۴۵.
۶. خسروی، زهره؛ کیامنش، علیرضا؛ بنی جمالی، شکوه السادات و نیک منش، زهرا (۱۳۸۶)، «بررسی کیفی نقش عملکرد خانواده در بروز رفتارهای مخاطره آمیز نوجوانان»، *مطالعات روانشناختی*، سال ۳، شماره ۴، صص ۶۱-۴۵.
۷. سیارپور، سید مصطفی؛ هزاوه ای، سید محمد مهدی؛ احمدپناه، محمد؛ معینی، بابک و مقیم بیگی، عباس (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه پرخاشگری و خودکارآمدی ادراک شده در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر همدان»، *مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان*، سال ۱۹، شماره ۲، صص ۲۳-۱۶.
۸. شولتز، دوان و شولتز، سیدنی الن (۲۰۰۵)، *نظریه شخصیت*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: ویرایش.
۹. طهماسیان، کارینه و غلامرضایی، مریم (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه خودآزمندی و طرد همسالان در نوجوانان»، *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه تبریز*، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۱۲۸-۱۱۳.
۱۰. فراهانی، فریده خلیج آبادی و مهریار، امیر هوشنگ (۱۳۸۹)، «بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران»، *فصلنامه خانواده پژوهی*، سال ۶، شماره ۴، صص ۴۶۸-۴۴۹.

۱۱. محمدی‌زاده، علی؛ احمدآبادی، زهره و حیدری، محمود (۱۳۹۰)، «تدوین و بررسی ویژگی های روان سنجی مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی»، *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، سال ۱۷، شماره ۳، صص ۲۲۵-۲۱۸.
۱۲. مدانلو، مهناز؛ حقانی، حمید و جعفرپور، مهشید (۱۳۸۰)، «رابطه عزت نفس و منبع کنترل در نوجوانان بزهکار»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی گرگان*، سال ۳، شماره ۷، صص ۴۵-۴۱.
۱۳. مشکانی، محمدرضا و مشکانی، زهرا سادات (۱۳۸۱)، «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان»، *مجله جامعه شناسی ایران*، سال ۴، شماره ۲، صص ۲۵-۳.
۱۴. نظری، علی محمد؛ امینی منش، سجاد و شاهینی، علی (۱۳۹۲)، «ساختار خانواده، نظارت والدین، و همنشینی با همسالان بزهکار در نوجوانان پسر بزهکار و بهنجار»، *پژوهش در سلامت روانشناختی*، سال ۶، شماره ۴، صص ۶۸۰-۶۰.

ب. خارجی:

1. Alboukordi, S., Nazari, A., Nouri, R and Khodadadi, Sangdeh (2012), Predictive Factors for Juvenile Delinquency: The Role of Family Structure, Parental Monitoring and Delinquent Peers, **International Journal of Criminology and Sociological Theory**, 5, 1, 770-777.
2. Ahmadi, K., Khodadadi Sangdeh, J., Aminimanesh, S., Mollazamani, A and Khanzade, M (2013), The Role of Parental Monitoring and Affiliation with Deviant Peers in Adolescents' Sexual Risk Taking: Toward an Interactional Model, **International journal of high risk behaviors and addiction**, 2, 1, 22- 27.
3. Baker, J., Rosenthal, S., Leonhardt, D., Kollar, L., Succop, P., KBurklow, K and Biro, F (1999). Relationship between perceived parental monitoring and young adolescent girls' sexual and substance use behaviors. **Journal of Pediatric and Adolescent Gynecology**. 12(1): 17- 22.
4. Bakker, A., Buunk, B and Manstead, A (1997), The Moderating Role of Self-Efficacy Beliefs in the Relationship between Anticipated Feelings of Regret and Condom Use, **Journal of applied social science**, 22, 2001-2014.
5. Bandura, A (1997), self – efficacy: **The exercises of control**. New York, H. W. Freeman and Company.
6. Binnazocial, K (2002), Analyzing peer pressure and self- efficacy expectations among adolescents. **Behavior & Personality, an International Journal**, 40 (8): 1301.
7. Brendgen, M., Vitaro F and Bukowski W (1998), Affiliation with Delinquent Friends, **the Journal of Early Adolescence**, 18, 3, 244-265.
8. Brooks, TL., Harris, SK., Thrall., JS and Woods ER (2002), Association of adolescent risk behaviors with mental health symptoms in high school students, **Adolescent Health**, 31, 3, 240-246.

9. DiClemente, R (2001), Parental Monitoring: Association With Adolescents' Risk Behaviors. **Pediatrics**, 107, 6, 1363 -1368.
10. Farmer, A (2001), Parental Monitoring and Peer Group Association, **Journal of Social Service Research**, 27, 2, 1- 5.
11. Gao, Y., Yu, Y and Kin, N. T. (2013), A study of the moderating effect of family functioning on the relationship between deviant peer affiliation and delinquency among Chinese adolescents, **Advances in Applied Sociology**, 3, 178- 185.
12. Hiemstra, M., Otten, R., Leeuw, R., Schayck, O and Engels, R (2011). The Changing Role of Self-Efficacy in Adolescent Smoking Initiation, **Journal of Adolescent Health**, 48, 597–603.
13. Krejcie, R and Morgan, D. (1970), Determining sample size for research activities, **Educational and Psychological Measurement**, 30, 607-610.
14. Martins, S., Storr, C., Alexandre, P and Chilcoat, H (2008), Adolescent ecstasy and other drug use in the National Survey of Parents and Youth: The role of sensation-seeking, parental monitoring and peer's drug use, **Addictive Behaviors**, 33, 7, 919-933.
15. Nwamaka, O. (2010), Influence of parenting styles on adolescent delinquency in delta central senatorial district, **Edo Journal of Counseling**, 3, 58- 86.
16. Li, X., Stanton, B and Feigelman, S (2000). Impact of perceived parental monitoring on adolescent risk behavior over 4 years, **Journal of Adolescent Health**, 27, 1, 49–56.
17. Romero, A and Ruiz, M (2007), Does Familism Lead to Increased Parental Monitoring ? : Protective factors for Coping with Risky Behaviors, **Journal of Child and Family Studies**, 16,143–154.
18. Seth, M and Asudani, V. (2013), Parenting styles and their impact on educational performance of children at high Scholl level: review of literature, **Indian Streams Research Journal**, 3, 1- 6.
19. Svensson, R (2003), the Impact of Parental Monitoring and Peer Deviance. **Youth Society**, 34, 3, 300-329.
20. Strunin, L., Martínez, A., Díaz-Martínez, L., Heeren, L., Kuranz, S., Winter, M., Hernández-Ávila, C., Fernández-Varela, H and Solís-Torres, C (2013), Parental monitoring and alcohol use among Mexican students. **Addictive behaviors**, 38, 10, 2601- 2606.
21. Wang, B (2013), the influence of parental monitoring and parent–adolescent communication on Bahamian adolescent risk involvement: A three-year longitudinal examination, **Social Science & Medicine**, 97, 161- 169.
22. Tilton-Weaver, LC., Burk, WJ., Kerr, M and Stattin, H (2013). Can parental monitoring and peer management reduce the selection or influence of delinquent peers? Testing the question using a dynamic social network approach, **Developmental Psychology**, 49, 11, 2057-2070.
23. Wing Lo, T., Cheng, C., Wong, D., Rochelle, T and Kwok, S (2011), Self-Esteem, Self-Efficacy and Deviant Behavior of Young People in Hong Kong, **Advances in Applied Sociology**, 1, 1, 48-55.
24. Xiong, Z and Haung, J. (2011), Predicting Hmong male and female youth delinquent behavior: an exploratory study, **Hmong Studies Journal**, 12, 1- 34.